اخلاق در حوزه

بخش اول

گناهان تازه، تازه
بلاهای تازه، تازه

آیت‌الله‌العظمی مظاهری

آیت‌الله‌العظمی مظاهری در سلسله دروس اخلاقی با موضوع «شرح چهل حدیث اخلاقی» مطالب شنیدنی و خواندنی ارائه نموده‌اند که تقدیم نگاه شما خوبان خواهد می‌گردد.

• گناهان تازه، تازه، بلاهای تازه، تازه

روایتی از امام هشتم، حضرت رضا علیه‌السلام در برخی کتب روایی، از جمله در کافی شریف نقل شده که می‌فرمایند: «كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ؛[1] هرگاه مردم به گناهانی تازه، که قبلاً به انجام آن نمی پرداختند، آلوده شوند، خداوند متعال آنان را به بلاهایی جدید که تاکنون نمی‌شناخته‌اند، مبتلا می‌سازد»؛ یعنی گناهان تازه تازه، بلاهای تازه تازه می‌آورد. بعضی گناهان قبلاً نبوده و تازه پیدا شده است؛ بعضی بلاها هم، نبوده و تازه پیدا شده است.

روایت دو معنا دارد؛ یک معنای ظاهری و یک معنای دقّی، فلسفی و عرفانی.

معنای ظاهری روایت که به تجربه نیز اثبات شده، همان است که بیان شد؛ گناهان تازه تازه، بلاهای تازه تازه به‌همراه دارد؛ مثلاً رباخواری یک گناه قدیمی است و تازه نیست. قرآن می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَيُرْبِي الصَّدَقاتِ﴾[2]؛ امّا استفاده از حیلهٔ شرعی در رباخواری، گناهی تازه است که بلای جدید در پی دارد. قبلاً رشوه‌خواری بوده است، اموال اهل رشوه هم، بی‌برکت بوده است؛ ولی دریافت رشوه با کلاه شرعی و به‌عنوان حق و حساب، گناه جدیدی است که به آن اضافه شده است.

اعمال منافی عفّت، زنا و فحشاء در بین امت‌های گذشته سابقه دارد و بلای مربوط به آن نیز طبق روایات، شیوع مرگ‌های ناگهانی یا «موت فجأه» است؛[3] امّا گناه تازه‌ای که در زمان حاضر در جامعه رخنه کرده، رفیق‌بازی و ارتباط و دوستی با نامحرم است. عشق‌های کاذب و خانمان‌سوز بین دخترها و پسرها و زن‌ها و مردها، بلاهای جدید و بی‌سابقه در پی دارد.

از این دست مثال‌ها برای گناهان تازه و بلاهای ناشی از آن فراوان است.

اما قطع نظر از معنای ظاهری که نباید دست از آن برداریم، این روایت یک معنای باطنی هم دارد که همان قانون تجسّم عمل است.

از قرآن استفاده می‌شود که اعمال ما هرچه باشد، گفتار ما، کردار ما، حتی افکار ما، نابود نمی‌شود. به‌حسب ظاهر ممکن است نابود شود؛ امّا آن اعمال و افکار، تجسّم دارد و نوعی صورت متناسب برای آن پدید می‌آید. تنها در یک صورت عمل نابود می‌شود و آن هم، وقتی است که انسان از گناه خویش توبه کند.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِلاَّ مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صالِحاً فَأُولئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ﴾.[4]

بعضی از بزرگان معتقدند که اعمال انسان، با توبه هم نابود نمی‌شود؛ بلکه لعان اتفاق می‌افتد؛ یعنی بین انسان و اعمالش فاصله می‌افتد. آنها می‌گویند: وقتی کسی مرتکب گناه شود، تجسّم عمل او پیدا می‌شود و نابود شدنی نیست؛ امّا اگر توبه کند، گناهش آمرزیده می‌شود و تجسّم آن اعمال بایگانی می‌شود و دیگر به او ضرر نمی‌زند و در برزخ و قیامت، آن اعمال را ندیده و رسوا نخواهد شد.

استاد بزرگوار ما حضرت امام رحمه‌الله می‌فرمودند: این خلاف ظاهر آیه است. آیهٔ شریفه می‌فرماید: ﴿يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ﴾؛ یعنی پروندهٔ سیاه و پر از گناه نابود می‌شود و پروندهٔ درخشانی که صفحهٔ اولش ثواب توبه است، برای او مفتوح می‌گردد.[5]

آنچه تردیدی در آن راه ندارد و همهٔ بزرگان بدان معتقدند، این است که هر عملی، تجسّمی دارد و در خصوص گناهان تا وقتی انسان توبه نکرده، تجسّم عملش باقی است. بزرگانی نظیر صدرالمتألهین رحمه‌الله بحث‌های مفصّلی راجع به تجسّم عمل دارند، آیات و روایات نیز در این زمینه فراوان است.

از مجموع آیات، روایات و اقوال بزرگان چنین استفاده می‌شود که اعمال انسان، صورت‌بندی می‌شود؛ مثلاً غیبت، چون که نیش است، به‌صورت مار و عقرب درمی‌آید.

این سخن‌های چو مار و کژدمت
مار و کژدم می‌شود، گیرد دمت

مار و عقرب حاصل از غیبت و گناهان نظیر آن، در همین دنیا هست؛ ولی چون صورت برزخی دارد، پس از مرگ قابل مشاهده است. اعمال افراد حقه‌باز و متظاهر، به‌صورت روباه درمی‌آید. خود انسان هم، اگر دچار تکرار گناه شود، هویتش تغییر یافته، به‌صورت سگ یا گرگ یا میمون درمی‌آید. کسانی که چشم بصیرت دارند، در همین دنیا صورت حیوانی افراد را می‌بینند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَراً وَما عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَها وَبَيْنَهُ أَمَداً بَعِيداً﴾[6].

دنیا و آخرت، یک سکهٔ دو رو است؛ اینجا ظاهرش است و باطنش در قیامت عیان می‌گردد. هرچه اینجا هست و هر عملی اینجا انجام شد، آنجا حاضر است.

قرآن در ادامهٔ آیه می‌فرماید: ﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ﴾[7]؛ ای انسان! خدا رأفت دارد، خدا مهربان است که زنگ خطر می‌زند و می‌گوید: هرچه در این دنیا انجام دادی، در قیامت حاضر شده است؛ اگر خوب است، خوب و اگر بد است، همان بد برای او حاضر می‌شود. به‌اندازه‌ای رسوا می‌شود که می‌گوید: خدایا! ای کاش بین من و این اعمال، خیلی فاصله بود. ای کاش! اعمالم را نمی‌دیدم و مردم هم نمی‌دیدند.

• پی نوشت‌ها

۱. الکافی، ج۲، ص ۲۷۵؛ ۲. بقره، ۲۷۶؛
۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴؛ ۴. فرقان، ۷۰؛
۵. ر. ک: سیروسلوک؛ منزل دوّم: توبه؛ ۶. آل‌عمران، ۳۰؛
۷. آل‌عمران.

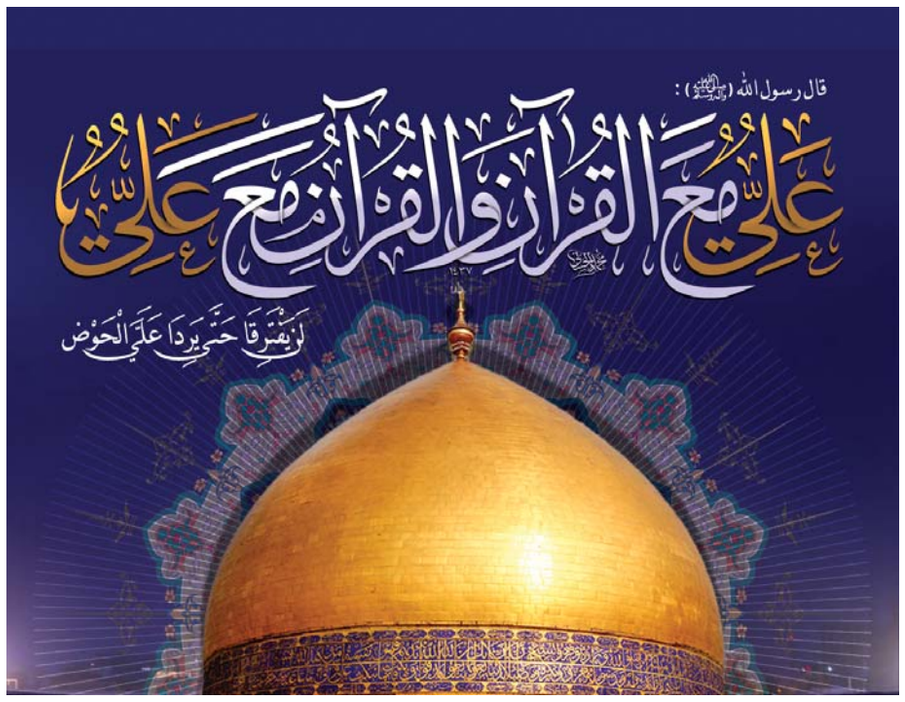

نیم‌نگاهی به حدیث

علی مع القرآن والقرآن مع علی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جعفر طبسی استاد حوزه و دانشگاه

سخن گفتن از شخصیت واقعی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و معرفی حقیقی آن حضرت، برای همگان امری بس دشوار، بلکه ناممکن است و تنها کسانی می توانند به معرفی شخصیتی چون علی علیه‌السلام بپردازند که از همه ابعاد وجودیش اطّلاع کامل داشته باشند. در گردونهٔ هستی، جز خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله کسی را نمی توان یافت که به درستی چنین احاطه ای داشته باشد. روایت «علی مع القرآن، والقرآن مع علی»، با تعبیرهای مختلف و با سند معتبر از زبان مبارک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در شان والای امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام صادر شده است. حدیثی که دو تن از نقادان زبردست حدیث آن را تصحیح کرده‌اند؛ یکی حاکم نیشابوری شافعی‌مذهب متوفای ۴۰۵ و دیگری حافظ ذهبی متوفای ۷۴۸.

• متن حدیث

حاکم، حدیث را با سندی از ابی‌ثابت مولای (آزادشده) ابوذر غفاری نقل کرده است که گفت: در روز جمل، وقتی چشمم به «عایشه» افتاد که ایستاده بود، پاره‌ای از خیالات که در دل دیگران وارد می‌شود، در دل من پدید آمد. هنگام نماز ظهر، خداوند شک و تردید را از دل من برطرف ساخت و سرانجام به پشتیبانی از حضرت علی علیه‌السلام با دشمنان او نبرد کردم. پس از پایان جنگ به مدینه بازگشتم و به خانه «امّ‌سلمه» رفتم و به او گفتم: به خدا سوگند! به‌منظور درخواست خوراکی و آشامیدنی به خانه تو نیامده‌ام. من آزاده‌شده «ابوذر» هستم. ام‌سلمه به من خوش‌آمد گفت و من حکایت حال خود را در روز جمل بازگو کردم. «ام‌سلمه» گفت: کجا بودی آنگاه که دل‌ها به پرواز درمی‌آمد؟ در پاسخ گفتم: در جایی که خداوند پرده شک را در هنگام ظهر از دل من برطرف کرد (خداوند دروازه حقیقت را به روی من گشود). ام‌سلمه به من آفرین گفت و اظهار داشت که از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود: «علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علیّ الحوض»؛ یعنی علی همراه قرآن است و قرآن نیز همراه با علی علیه‌السلام است؛ این دو هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این‌که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

حاکم پس از نقل این حدیث شریف، می‌گوید: این حدیث صحیح السند است و ابوسعید تیمی، همان عقیصا است و او مورد اعتماد و امین است و از مورد اعتماد بودن و امین بودن خارج نشده است و ذهبی او را پذیرفته است.

• توضیحاتی درباره حدیث

این حدیث دو بحث دارد: یکی بحث سندی و دیگری بحث دلالی و فقه‌الحدیث.

در بحث سندی، روایت در نهایت قوت و متانت است؛ چون دو تن از نقادان حدیث یعنی حاکم نیشابوری و حافظ ذهبی آن را تصحیح کردند؛ اما متأسفانه بخاری و مسلم این حدیث را نیاورده‌اند.

مهم در بحث فقه‌الحدیث، فهم حدیث و تعمق در حدیث است و نه نقل حدیث؛ به‌عبارت دیگر، درایة‌الروایة مهم است و نه روایة‌الروایة. از این رو به چند نکته در رابطه با این حدیث اشاره می‌کنیم:

۱. معیت موجود در حدیث، بسیار مهم و کلیدی است؛ زیرا لازمه معیت، عدم انفکاک میان قرآن و علی علیه‌السلام است.

۲. کلمه «لن» برای نفی ابد است؛ مانند گفته پروردگار به حضرت موسی علیه‌السلام: «لن‌ترانی یا موسی» که دال بر نفی همیشگی است. این دو نکته مهم در این روایت به این معنی است که حتی یک لحظه، قرآن از امیرالمؤمنین علیه‌السلام جدا نمی‌شود و همچنین آن حضرت، هرگز از قرآن منفک نمی‌شود.

با توجه به دو نکته فوق، چند مطلب از این حدیث قابل استفاده است:

اولا عصمت مطلق آن‌حضرت ثابت می‌شود، با این بیان: کسی که هرگز از قرآن جدا نمی‌شود، اگر مرتکب گناه و معصیت بشود، در آن لحظه از قرآن جدا می‌شود؛ درحالی‌که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره علی علیه‌السلام، خلاف آن را فرموده است؛ پس عصمت کبری و مطلق امیرالمؤمنین علیه‌السلام از این روایت کاملاً قابل استفاده است.

ثانیاً برتری حضرت بر صحابه دیگر ثابت می‌شود؛ چون پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله این بیان را درباره هیچ‌یک از صحابه خود بیان نفرموده است.

• تلاش مذبوحانه

حاکم نیشابوری روایت را از شخصی به‌نام ابوسعید تیمی که نامش عقیصا است، نقل کرده و می‌گوید: او ثقه و مأمون است. معلق در کتاب المستدرک نوشته که جوزجانی، ابوسعید را ثقه نمی‌داند. همین موجب شده که برخی حدیث را معتبر ندانند. با اندک تأمل معلوم می‌شود که عدم وثاقت عقیصا از سوی جوزجانی قابل قبول نیست؛ چون او متوفای ۲۵۹ هجری است و بدون شک در زمره نواصب و دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است. او ساکن دمشق بود و به ساحت مقدس علی علیه‌السلام اهانت می‌کرد. این موضوع را ابن‌منظور در مختصر تاریخ دمشق، جلد ۴، صفحه ۱۸۲ و ابن‌حجر در تهذیب التهذیب، جلد ۱، صفحه ۱۹۸ و ذهبی در تذکرة‌الحفاظ آورده است و ابن‌حجر نیز در مقدمه فتح‌الباری شرح صحیح بخاری جلد ۱، صفحه ۴۶ درباره جوزجانی نوشته: جوزجانی ناصبی بود و از علی علیه‌السلام منحرف شده بود. این مطلب را ذهبی هم، در میزان الاعتدال جلد ۱، صفحه ۷۶ نقل کرده است؛ با این بیان، جرح او درباره عقیصا از درجه اعتبار ساقط است. در نتیجه حدیث «علی مع القرآن والقرآن مع علی»، دارای اعتبار بالایی است و بی‌اعتنایی دار قطنی به آن، ارزش علمی ندارد.

سخن آخر در ارتباط با این حدیث، اینکه جناب ام‌سلمه همسر باوفای رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حدیث «علی مع القرآن...» را هنگام شعله‌ور شدن جنگ جمل بیان می‌کند، بدین معنی است که جنگ‌افروزان این نبرد، با کسی وارد جنگ شدند که هرگز از قرآن جدا نمی‌شد. این خود نوعی خط بطلان بر آن جنگ‌افروزان به حساب می‌آید؛ همان‌ها که شمشیرشان را به روی کسی کشیدند که دارای عصمت مطلق بوده و مطابق بیان قرآن، نفس نفیس رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است.

نوشتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین یوسفی درباره تحقق شعار سال

مقصود، مشارکت عموم فعالان اقتصادی براساس الگوهای واقعی مشارکت است

مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در نوشتاری، به بررسی ابعاد تحقق شعار سال پرداخت و تصریح کرد: بی‌تردید مقصود رهبر معظم انقلاب از مشارکت مردم، تنها مشارکت عده‌ای سرمایه‌دار در بخش خصوصی نیست؛ بلکه مقصود، مشارکت عموم فعالان اقتصادی براساس الگوهای واقعی مشارکت است.

به گزارش خبرگزاری رسا، حجت‌الاسلام والمسلمین احمدعلی یوسفی، مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در نوشتاری به بررسی ابعاد مختلف تحقق شعار سال پرداخت که در ادامه می‌آید.

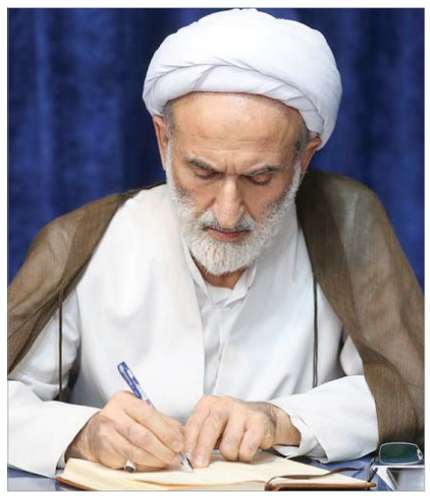

با سلام و درود بر معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای حفظه‌الله و شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی و با تبریک سال نو و تقارن بهار طبیعت و بهار معنویت رمضان.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای شعار سال ۱۴۰۳ هجری شمسی را «جهش تولید با مشارکت مردم» نام‌گذاری نمودند. درباره اهمیت این نام‌گذاری و چیستی، چرایی و چگونگی تحقق آن، لازم است مطالبی به اطلاع مردم عزیز ایران، دولت محترم، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای تصمیم‌گیر برسد:

۱. تعیین شعار سال توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، بدان معناست که باید اولویت و فوریت همه نهادهای حاکمیتی و مردمی، تحقق آن شعار باشد و همه مسئولان و مردم باید با تمام توان خود برای رفع موانع و ایجاد زمینه‌های تحقق آن شعار تلاش کنند.

۲. مرور شعارهای سال از سال ۱۳۸۸ تاکنون حاکی از آن است که در طول این سال‌ها بهبود وضعیت اقتصادی کشور و مردم، اولویت داشته و این شعارها و نمادها، زنجیره‌ای به‌هم‌پیوسته از جهت‌گیری‌ها و اقدامات کلان لازم برای تحقق این امر است و به‌تصریح مقام معظم رهبری، شعار هر سال اختصاص به آن سال ندارد؛ بلکه هدف‌گیری و اقدامی است که باید در سال‌های بعد نیز ادامه یابد.

۳. یکی از لوازم تحقق شعار امسال، تبیین مشارکت مردم به‌معنای صحیح آن است.

معنای صحیح مشارکت مردم در جهش تولید آن است که عموم فعالان اقتصادی، در فرایند اقتصادی، هم مالک باشند، هم عامل و هم مدیر و جریان کارگری و اجیر شدن اکثر فعالان اقتصادی برای دولت یا عده محدودی از سرمایه‌داران، به جریان واقعی مشارکت عموم فعالان اقتصادی در مالکیت، عاملیت و مدیریت فرایند تولید تبدیل شود؛ به‌گونه‌ای که عموم فعالان اقتصادی، خود مالک منابع تولیدی، کار و محصول کار خود گردند.

بی‌تردید مقصود رهبر معظم انقلاب از مشارکت مردم، تنها مشارکت عده‌ای سرمایه‌دار در بخش خصوصی نیست؛ بلکه مقصود، مشارکت عموم فعالان اقتصادی براساس الگوهای واقعی مشارکت است.

بنابراین لازم است دولت محترم، چنین شرایطی را برای عموم فعالان اقتصادی فراهم آورد.

یکی از ساختارهای مهم اقتصادی که زمینه مشارکت مردم را به مفهوم یادشده فراهم می‌سازد، ساختار تعاونی‌هاست. البته ساختارهای دیگری نیز وجود دارند تا مشارکت هرچه بیشتر مردم را در عرصه اقتصادی به مفهوم پیش‌گفته محقق سازند.

۴. شعار جهش تولید با مشارکت مردم را باید در چارچوب اهداف، اصول و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که در سال ۱۳۹۲ رسماً از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، درک و اجرا کرد.

بنابراین، جهش تولید باید با مشارکت مردم (مردم‌بنیاد و مردم‌سالار) و عدالت‌بنیان، دانش‌بنیان، جهادی، درون‌زا و برون‌گرا و در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد که سیاست‌های ناظر به اصلاح ساختارها و جهت‌گیری‌ها است.

۵. جهش تولید با مشارکت مردم، باید عدالت‌بنیان باشد؛ یعنی رفع فقر و کاهش فاصله طبقاتی را به دنبال داشته و مانع از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص گردد.

به‌رغم کمک‌های فراوان نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم، به اقشار محروم جامعه که خود نوعی شبه‌انقلاب خدمت‌رسانی محسوب می‌شود؛ باید اعتراف کرد که به‌دلیل ساختارهای سرمایه‌سالار حاکم بر اقتصاد و به‌تبع آن، در پیش‌گرفتن برخی سیاست‌های اقتصادی نادرست از سوی دولت‌ها، تاکنون توفیق درخوری در رفع فقر، محرومیت و کاهش فاصله طبقات درآمدی جامعه حاصل نشده است.

مشارکت واقعی مردم در چارچوب اصول و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، نوعی انقلاب اقتصادی را به دنبال خواهد داشت که نتیجه آن، جهش تولید همراه با رفع فقر و تحقق عدالت توزیعی است.

۶. یکی از زمینه‌های تحقق شعار سال، شناخت دقیق ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی کشور است.

از این نگاه، ایران اسلامی بسیار سرشار و غنی است. ظرفیت‌های کشاورزی، معادن، دریا، نفت، گاز و فناوری‌های پیشرفته در حوزه‌های مختلف، تنها بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی کشور است.

از سوی دیگر، نیروی انسانی کارآمد، فداکار و فعال، به‌ویژه جوانان نخبه، فرصت‌های کم‌نظیری برای جهش تولید با رویکرد مشارکت مردم فراهم می‌سازند.

باید دقت داشت که هریک از این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها، همواره در حال رشد و بالندگی‌اند.

شناخت دقیق این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و پیوند صحیح آنها با رویکرد مشارکت مردمی، می‌تواند زمینه تحقق شعار سال را به‌شایستگی فراهم آورد.

۷. یکی از موانع بسیار مهم تحقق شعار سال، با رویکرد مشارکت مردم، ساختارها و ریل‌های اقتصادی سرمایه‌سالاری حاکم بر اقتصاد ایران است.

این ساختارها و ریل‌های عاریتی تفکر نظام سرمایه‌سالاری غرب، خود بزرگ‌ترین آفت و مانع تحقق شعار سال هستند. عملکرد ذاتی ساختارهای اقتصادی موجود، همانند ساختار بانک و بورس، ضد مشارکت مردمی به‌معنای پیش‌گفته است.

به‌همین جهت، به‌رغم تلاش‌های فراوان دولت، مجلس و دیگر نهادهای حاکمیتی و نیز عموم مردم، برای تحقق مشارکت مردمی در عرصه اقتصادی براساس الگوی اقتصاد مقاومتی، در سال‌های گذشته، توفیق چندانی حاصل نشده است.

علت اصلی آن است که وقتی ساختارها و ریل‌های اقتصادی، سرمایه‌سالارانه و ضد مشارکت مردمی باشد، لاجرم سیاست‌های اقتصادی دولت نیز، سیاست‌های سرمایه‌سالار خواهد بود.

وادادگی ارزی، خلق پول از سوی بانک‌های غیردولتی، انحصارهای وحشتناک در عرصه‌های مهم اقتصادی، همه از سیاست‌های سرمایه‌سالارانه‌ای هستند که دولت‌ها مجبورند، با این سیاست‌ها همراهی کنند.

مشارکت واقعی مردم زمانی در اقتصاد محقق می‌شود که همه این ساختارها و سیاست‌های متناسب با آنها در اقتصاد ایران دگرگون شوند و ساختارها و ریل‌های جدید اقتصادی براساس نظام اقتصادی اسلام، الگوی اقتصاد مقاومتی و فقه اقتصادی جایگزین آنها گردند.

۸. دولت محترم برای تحقق شعار سال گذشته، «مهار تورم و رشد تولید» تلاش‌هایی داشته است؛ اما به تصریح رهبر معظم انقلاب، امتیاز مطلوبی دریافت نکرد.

علت اصلی به دست نیامدن موفقیت مورد انتظار، آن است که دولت در عرصه اقتصادی، مشارکت مردم را به‌معنای صحیح آن درک و اجرا نکرد و دلیل تصریح مقام معظم رهبری در شعار امسال به مشارکت مردم نیز، همین امر است.

بی‌تردید در صورت ادامه درک نادرست از مشارکت مردم در عرصه اقتصادی، احتمال آن وجود دارد که حتی اقدامات و سیاست‌های اقتصادی دولت، خود همچون مانع بزرگی برای مشارکت مردم در اقتصاد نمایان شود و تحقق شعار امسال نیز، نمره مطلوبی دریافت نکند.

۹. امروز دولت و به‌ویژه مجلس آینده، در برابر آزمایشی بزرگ قرار دارند و باید با ریل‌گذاری جدید و صحیح، زمینه مشارکت واقعی مردم را در عرصه اقتصادی فراهم کنند.

از اقدامات مهم و فوری برای زدودن موانع تحقق مشارکت مردمی در عرصه اقتصادی، تبدیل جریان وادادگی ارزی به مدیریت متمرکز ارز، جلوگیری از خلق پول توسط بانک‌های غیردولتی و از میان بردن انحصارهای اقتصادی گسترده است.

برای تحقق این امر لازم است، مجلس شورای اسلامی، قوانین لازم را وضع و به تصویب رساند؛ در غیر این‌صورت زمینه مشارکت مردم در اقتصاد فراهم نخواهد شد.

۱۰. مجلس شورای اسلامی افزون بر وضع قوانین لازم برای تحقق شعار سال (قوانین مربوط به رفع موانع ساختاری و نیز قوانین لازم برای استفاده صحیح از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها) باید بر عملکرد بخش‌های مختلف دولتی نظارت جدی داشته باشد و از دولت بخواهد، ماهانه پیشرفت شعار سال را براساس قوانین وضع‌شده به مجلس و مردم گزارش دهد.

در پایان، این نکته یادآوری می‌شود که برای تحقق اقتصاد مقاومتی و شعارهای اقتصادی سال‌های پیشین و امسال، نیازمند فهم مشترک عمیق و صحیح، عزم ملی، تدبیر عالمانه و مدیریت و حرکت جهادی دولت و مردم، با توکل بر خداوند متعال و توسل به امامان معصوم علیهم‌السلام و به‌کارگیری آموزه‌های دینی در زمینه اقتصاد هستیم.